



نقشه منطقه هرمز از
پتروس برتیوس
(۱۵۶۵ - ۱۶۲۹ م)

هماهنگی ساکنان خلیج فارس

و شیوه نوین تحکیم وحدت و فرهنگی

(پیشنهاد تاسیس دانشگاه جهانی خلیج فارس)

دکتر ناصر تکمیل همایون

درآمد

خلیج فارس به گونه‌ی یکی از پرآوازه‌ترین دریا‌های جهان است که از کهن‌ترین روزگار تاریخی برای جهان‌شناسان مشرق‌زمین، از عیلامی، سومری، آکادی، کلدی، بابلی و آشوری با نام نارمتو^۱ (رود تلخ) شناخته شده بود و به نوعی مرکزیت تبادل فرهنگی و اقتصادی کل منطقه، از موهنجودارو^۲ تا شوش به شمار رفته است. این خلیج ایرانی و دریای عمان یا مکران، به صورت تجلی‌گاه تمدن ایران زمین (اسطوره اریتره) با کانون‌های گوناگون ساحلی (شهر سوخته و سیراف) و دریایی (هرمز و قشم و کیش و خارک و بحرین) پیوند داشته و در آثار تاریخی و جغرافیایی یونانیان و رومیان از یک سو و هندیان و چینیان از سوی دیگر، نام و نشان یافته و در زمان ما با پژوهش‌های باستانی و انسان‌شناسی تاریخی، مورد شناخت علمی بیش‌تر قرار گرفته است. خلیج فارس از عصر هخامنشیان و سکونت پارس‌ها در جنوب غربی ایران، با همین نام سینوس پرسیکوس^۳، مرپرسیکوم^۴، آکو آروم پرسیکو^۵، در جهان جغرافیایی شهرت داشته است. فلاویوس آریانوس^۶ (قرن دوم میلادی) و هم‌زمان با وی بطلمیوس^۷ و پیش از آنان هکاتایوس ملطی^۸ و هرودت^۹ و اراتوس تنوس^{۱۰} و استرابون^{۱۱} به این امر اشاره کرده‌اند.

این نام‌گذاری طبیعی - تاریخی به تمام زبان‌های کهن و جدید جهان تسری پیدا کرده است و هم‌اکنون در زبان‌های آسیایی چینی، ژاپنی و زبان‌های اروپایی شرقی و غربی، روسی، رومانی، چک، فرانسه و انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و زبان‌های منطقه ترکی، عبری و حتی عربی کاربرد همگانی دارد و در عصار اسلامی از دوره فتوحات تاکنون همه مورخان و جغرافی‌دانان و سیاحان مسلمان از این خلیج با نام‌های بحر فارسی، خلیج الفارسی، خلیج فارس، دریای پارسی، بحر عجم یاد کرده‌اند.

خلیج فارس با آن‌که در طی تاریخ، بیش و کم دارای

شهرت و معروفیت بود اما از زمانی که استعمار پرتغال (۱۵۱۵ق/ ۱۵۱۵م) و به مرور رقابت‌های سلطه‌گرانه آن کشور با اسپانیا و انگلیس و هلند و فرانسه شدت پیدا کرد و در مسیر زمان روسیه و آلمان و بلژیک و سوئد و نروژ و عثمانی نیز وارد پهنه زد و خورد و دست‌اندازی‌های نظامی و اقتصادی شدند، شهرت این دریا و مناطق پیرامونی آن اهمیت بیش‌تری یافت و از زمان استیلای سیاست جدید جهانی بر پایه خواست‌های امپریالیستی بر منطقه، خلیج فارس، آن دریای روزگاردیده جهان، شاید از شهرت بی‌نظیری برخوردار یافت، به گونه‌ای که درباره کم‌تر خلیجی در جهان به این اندازه بررسی و پژوهش انجام گرفته است.

شرایط تاریخی - فرهنگی

خلیج فارس به لحاظ طبیعی و جغرافیایی، با داشتن زمینه‌هایی چند بر روی هم شرایط اجتماعی ادغام با بخش شمالی و جنوبی را فراهم آورده است و همین امر طی تاریخ مراودات مردمی و اقتصادی و بازرگانی و تمایلات فرهنگی زندگی مشترک را آسان ساخته است. خاستگاه انسانی و تاریخ تحولات اجتماعی این منطقه، از آغاز شکل‌گیری‌های نخستین جامعه‌شناختی تا زمان استعمار اروپاییان و پس از جنگ جهانی دوم با آغاز سلطه‌گری‌های آمریکا، که تاروپود زندگی مردم آن را متلاشی نکرده بود، نشانگر هم‌جوشی فرهنگی همه ساکنان خلیج فارس (با در نظر گرفتن ممیزات اقلیمی) با کلیت جغرافیایی، انسانی، ایران زمین بوده است.

با پیدایش اسلام و گسترش آن، ساکنان شمال خلیج فارس (بزرالعجم) به همان علت‌های جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی و دموگرافیک (تفوق جمعیتی) بیش از توده‌های پراکنده اندک‌شمار جنوبی (بزرالعرب) از معنویت و معارف جهان‌شمول آن دیانت آسمانی برخوردار گردیدند، به گونه‌ای که جنوبیان خلیج فارس

نه تنها شمالیان را از لحاظ سیاسی و اقتصادی بلامنازع دانسته‌اند، بلکه از لحاظ دینی و عقیدتی نیز قدرت آنان را پذیرفته بودند.

استعمار و سلطه‌گری‌های گوناگون بیگانگان که از قرن نوزدهم بدین سو، آشفته‌گی‌هایی را در حیات تاریخی منطقه به وجود آورد، با پیدا شدن نفت و استخراج و فروش آن در بازارهای جهان و برخورداری‌های فراوان اقتصادی جنوبیان بیابان‌گرد یک‌لایه از آن ثروت خداداد و مسافرت‌های سران و بزرگان آن منطقه و اندک اندک گروه‌های میانه و حتی قشرهای پایین به خارج از محیط خودی، از بلاد دل‌انگیز عربی چون بغداد و دمشق و بیروت و قاهره تا شهرهای شگفت‌آور اروپا و آمریکا، آرام‌آرام شرایط جذب به زندگی غربی را فراهم آورد و اثرات آن در سیمای فرهنگی سرزمین‌های آنان آشکار گردید. لکن به علت ساخت اجتماعی و تاریخی زندگی سنتی، این نفوذ بیگانه، اغتشاش آن چنانی به وجود نیاورد که ترمیم آن ناممکن باشد و به همین دلیل هنوز هم در کنار دگرگونی‌های غرب‌گرایانه، حیات سنتی خاندانی و طایفه‌ای نیز تداوم یافته است.

مسأله دیگری که بافت اجتماعی جماعت‌های ساکن در جنوب خلیج فارس را دگرگون ساخته، مهاجرت‌هایی است که از کشورهای همجوار به آن‌جا صورت گرفته و ناهمگونی‌هایی را ایجاد کرده است. این امر در زمینه‌های مختلف، گاه موجب تضادهایی گردیده، که اهم آن‌ها بدین شرح است:

- تضاد میان مهاجران و بومیان.

- تضاد میان نیروهای تجدیدطلب و پیشرو و جناح‌های سنتی و ارتجاعی

- تضاد میان مجموعه شیخ‌نشین‌ها با یک‌دیگر

- تضاد استعمار ساخته شیعی و سنی و عرب و عجم

- تضاد میان بسیاری از مجموعه‌های یادشده با ساکنان شمالی (ایرانیان)

بر این تضادها شاید بتوان بندهای دیگری را هم افزود، اما در تمامی آن‌ها فزون بر پاره‌ای علت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی که عملکرد آن‌ها طبیعی است. نوعی انگیزه‌ها و تحریک‌های سیاسی نیز دیده می‌شود که بر روی هم ریشه در کانون‌های سیاسی برون از منطقه خلیج فارس دارد.

برای از میان برداشتن بدگمانی‌های موجود و اختلافات عرب و عجم و گاه کشمکش‌های شیعی و سنی و خنثی کردن دیگر انگیزه‌های ناهنجار ضد مردمی در خلیج فارس، نخست کوشش‌های مستمری را باید در محورهای زیر به ظهور رساند:

۱. بی‌اعتبار ساختن هر نوع نفوذ فرهنگی کانون‌های استعماری شرق و غرب و شکوفا کردن و ذهنیت بخشیدن منطقی تاریخ و زندگی فرهنگی گذشته همه ساکنان خلیج فارس بر پایه تمدن و معنویت اسلامی.

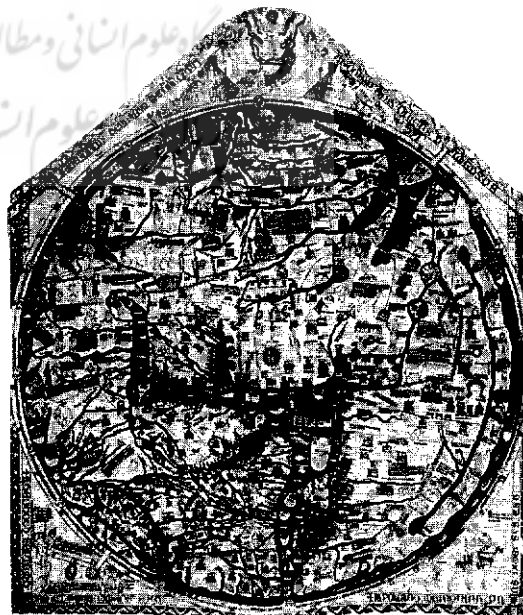
۲. برقراری همکاری‌های مشترک اقتصادی و تکنولوژی و توجه دادن ساکنان جنوب خلیج فارس به نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در این امر حیاتی بر پایه مودت و دوستی.

۳. تقویت قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نیرویی ناوابسته و مستقل و مدافع خلیج فارس برای همه ساکنان آن در برابر هر نوع تجاوز و سلطه‌طلبی بیگانگان. اما هم‌زمان با این کوشش‌ها و تلاش‌ها، بی‌آن‌که ارزش و کارایی هیچ یک از محورها فراموش گردد محور دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد که موضوع اساسی این گفتار است و آن:

۴. کوشش‌های آموزشی و پژوهشی در چهارچوب فرهنگ تاریخی مشترک در مسیر تفاهم و همکاری و پاسخ‌گویی به هر نوع نیاز علمی و اجتماعی و اقتصادی مردم منطقه خلیج فارس و آینده‌سازی فرهنگی پایدار آن.

طرح تأسیس دانشگاه جهانی خلیج فارس

با پذیرش این‌که فرهنگ و عملکردهای نظام آموزشی و پژوهشی در جهان پیشرفته به گونه‌ای یکی از کاراثرترین روش‌های زندگی مسالمت‌آمیز و به‌وجودآورنده فضای تساهل و تسامح، درستی و توانمندی خود را در تاریخ تمدن ملت‌های جهان به‌ویژه مسلمان، آشکار کرده است، می‌توان برای تأسیس «دانشگاه جهانی خلیج فارس» با



نقشه جهان هر نورد
اثر ریچارد هالیندگهام
(قرن ۱۳-۱۴ م.)
اصل نقشه در کلیسای
هر نورد انگلستان

تمام ویژگی‌های اسلامی، نخستین گام‌های علمی و فرهنگی را در راه تحقق یکی از بنیادی‌ترین خواسته‌های ملت ایران و مردم مسلمان منطقه، با اندیشه‌های سنجیده و بررسی‌های همه‌جانبه و نوین برداشت.

تأسیس این دانشگاه در وهله نخست به سود جامعه ملی (ساکنان سرزمین‌های ایرانی) است، زیرا:

۱. جوانان استان‌های جنوب و فارغ‌التحصیلان دیگر دانشگاه‌های کشور جهت آشنایی با پیشرفته‌ترین بخش‌های علمی و فنی و هنری و انجام پژوهش‌های ثمربخش و کارساز با منطقه خلیج فارس در مرادوده بوده و با اقامت در آن سرزمین‌ها، علاوه بر تلاش‌های علمی و انتقال بار علمی جامعه از شمال به جنوب، فضاهای تازه‌ای را به لحاظ دموگرافی فرهنگی در دیگر منطقه‌های کشور فراهم خواهند آورد.

۲. با فراخواندن بهترین استادان داخلی و دانشمندان عرب‌زبان و خارجی در کلیه رشته‌ها (رسمی و افتخاری) و کارشناسان کشوری در زمینه‌های مختلف می‌توان از این دانشگاه پیشرفته و نوین، پاسخ‌های مناسب خود را دریافت کرده و در همکاری‌های بیشتر، توان اندیشه و ابتکار و راه‌یابی را نه تنها در آن واحد علمی و فرهنگی، بلکه در نهادها و دانشگاه‌های دیگر نیز بالا برد.

اما در وهله دوم، با ادغام دانش و فرهنگ و دستاوردهای علمی جهان و بهره‌وری از ذخایر گران‌بهای تمدن وسیع و عمیق اسلام و همکاری‌های استادان برجسته سرزمین‌های مسلمان‌نشین، هم ایران می‌تواند با

تأسیس «دانشگاه جهانی خلیج فارس»
با تمام ویژگی‌های اسلامی، نخستین گام‌های علمی و فرهنگی را در راه تحقق یکی از بنیادی‌ترین خواسته‌های ملت ایران و مردم مسلمان منطقه، با اندیشه‌های سنجیده و بررسی‌های همه‌جانبه و نوین برداشت

مساعدت و معاضدت ساکنان خلیج فارس، فضای توافق و مؤالفة داشته باشد، بلکه در ارتباط با مسلمانان سراسر دنیا و کشورهای جهان سوم از یک‌سو و جامعه‌های صنعتی‌شده و پیشرفته از سوی دیگر، راه حل‌های جدیدی برای مشکلات همه انسان‌ها ارائه دهد. در بیداری و کارایی جامعه‌های اسلامی، خدمات برجسته و مورد انتظاری را به منصف ظهور رساند.

با در نظر گرفتن کلیات یادشده، دانشگاه مزبور باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. در کلیه رشته‌های علمی و فنی و ذوقی و ادبی و اقتصادی و اجتماعی، شرایط لازم تعلیم و تعلم را با در نظر گرفتن اولویت‌ها فراهم آورد.

۲. در تمامی رشته‌ها تعلیم و تعلم در هماهنگی با تحقیق و پژوهش (کتاب‌خانه‌ای، آزمایشگاهی، میدانی) باشد.

۳. دید همه‌جانبه و جامع بین‌المعارفی (Interdisciplinaire) حاکمیت یافته و حتی‌المقدور از روش‌های مقطعی (Sectoriel) که همه واقیبت‌ها را نشان نمی‌دهند، پرهیز گردد.

۴. در تعلیم و تعلم جنبه‌های صرفاً انتفاعی و سودجویی‌های آتی علم، همه‌گاه مورد توجه قرار نگیرد.

۵. علم و آگاهی از قید مصرف و اسارت و تفوق‌طلبی آزاد گردد.

۶. دانش و هنر و فن، در ارتباط با جامعه و جماعت‌ها و فرهنگ و تمدن و پاره فرهنگ آن‌ها، مورد عنایت قرار گیرد تا بتواند خلاقیت بیش‌تر یافته و جزء لایتجزای حیات مردمی و اجتماعی به شمار آید.

۷. روش‌هایی به کار رود که آموزش و بحث پیرامون مسائل علمی از انواع وابستگی‌ها و قیودی که با نفس علم ارتباط ندارد، رها شود. چه این گونه وابستگی‌ها (= داشتن مدارک تحصیلی) یا طبقه‌بندی تصنعی افراد در مدارج و مراحل (و گاه سنین مختلف) کاربرد علمی و اجتماعی تحقیقات و تبدلات را کم می‌کند و در یک مرکز واقعی و بنیادمند برای پژوهش و تحقیق نمی‌تواند اعتبار داشته باشد.

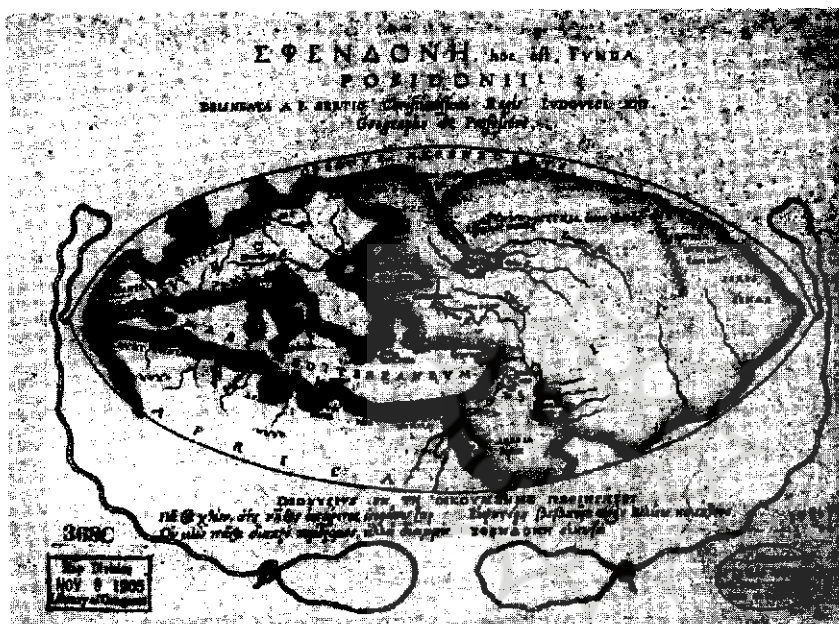
۸. کلیه علوم و فنون به صورت دستاورد بشری به شمار آیند و به گونه‌ای تدریس شوند که آشکار شود همه اقوام و ملل جهان در فراهم آوردن آن سهم بوده‌اند و به روشنی جهانی بودن آن معلوم گردد.

۹. مدرسان و محققان هم‌اهنگ با کارشناسان جهانی، علم را جهت تفاهم بین‌المللی و صلح و عدالت به کار برند و کاری را انجام دهند که سیاست و دیپلماسی از عهده آن برنیامده است.

۱۰. جهت ثمربخش کردن مباحث علمی فزون بر

فضاهای دانشگاهی و گروه‌های علمی و پژوهشی
 دانشگاه جهانی خلیج فارس، متشکل از دانشکده‌ها و رشته و گروه‌های علمی و پژوهشی متعدد است که در سرتاسر خلیج فارس (از خرمشهر تا بندر جاسک) قرار دارد و محیط طبیعی و جغرافیایی هر منطقه تسهیلات لازم برای هر بخش را به وجود می‌آورد که در منطقه‌بندی سواحل و بنادر خلیج فارس به پاره‌ای از آن‌ها می‌توان اشاره کرد.

استادان و کارشناسان، از همهٔ افراد ذی‌علاقه نیز بهره‌گیری حاصل شود و کلیت منطقه (ساکنان شمال و جنوب خلیج فارس) خود را در پیشرفت دانشگاه سهیم بدانند و به همین دلیل برای تبادل افکار و نقل و انتقال دستاوردهای فرهنگی و فنی و هنری باید روش‌های جدیدتری علاوه بر درس و سخنرانی معمولی به طور ثابت و موسمی و روزهای تعطیل برای استادان و محققان دیگر دانشگاه‌های کشور نیز فرصت و امکانات تعلیم و تعلم فراهم آورد.



«سینوس پرسیکوس» در نقشه جهان
 «پوزیدونیوس» (۱۳۵-۵۰ ق. م.)
 از کتاب جغرافیای باستان
 برنیوس پاریس ۱۸۳۰ م.
 نسخه اصل به زبان‌های لاتین و
 یونانی در کتابخانه کنگره واشنگتن

مراکز آموزشی و پژوهشی که به گونهٔ دانشکده‌هایی در آغاز می‌توانند از واحدهای معتبر دانشگاه جهانی خلیج فارس به شمار آیند، به شرح زیر می‌توانند باشند که البته بر آن‌ها دانشکده‌های دیگری نیز افزوده می‌شود.

۱. دانشکده ادبیات و علوم انسانی
 ۲. دانشکدهٔ علوم اجتماعی
 ۳. دانشکدهٔ علوم اقتصادی
 ۴. دانشکدهٔ علوم حقوقی
 ۵. دانشکدهٔ علوم سیاسی
 ۶. دانشکدهٔ هنرهای زیبا
 ۷. دانشکدهٔ علوم پزشکی
 ۸. دانشکدهٔ علوم مهندسی
 ۹. دانشکدهٔ علوم دریایی
 ۱۰. دانشکدهٔ تربیت بدنی و امور جوانان و علوم ورزشی.
- ناگفته نماند که هم‌زمان با تدریس و تعلیم نشر

۱۱. دست‌اندرکاران این امر آموزشی باید توجه داشته باشند که آنچه در عصر حاضر از شناخت علمی مهم‌تر به نظر می‌رسد، مسائلی است که علوم و تکنولوژی‌های مختلف برای جامعهٔ بشری و حوزهٔ اسلام مطرح کرده‌اند. از این رو بحث در اطراف مسائل مزبور چه در رابطه با دانش‌ها با هم و چه در پیوند دانش‌ها با جامعه‌های گوناگون، باید از وظایف جدی دانشگاهی به شمار درآید.

۱۲. بندهای بالا زمانی به مرحلهٔ عمل و تحقق نزدیک می‌شوند که مدیران دانشگاه و دانشکده‌ها (آموزشی و پژوهشی) با تساهل و مدارای فراوان، تمام نهادهای فرهنگی خلیج فارس و صاحب‌نظران مسلمان را در رشته‌های گوناگون علمی با هم در تماس دائم قرار دهند و به شیوه‌های گوناگون بکوشند تا نتایج مطالعات و تحقیقات هر یک در معرض بررسی و استفادهٔ دیگری قرار گیرد.

کتاب‌های گوناگون و ماه‌نامه، فصل‌نامه و دایرةالمعارف (دانش‌نامه) خلیج فارس نیز لازم به نظر می‌رسد که بتواند دست‌آورد های دانشگاهی را در سراسر جهان انتشار دهد.

سخن پایانی

یکی از منطقه‌های بسیار مهم و استراتژیک جهان، خلیج فارس معرفی شده است و به علت داشتن ذخایر گران‌بهای نفتی و نیازمند بودن کشورهای صنعتی بدان در دهه پیش از ۲۰۰۰ و دهه‌های پس از آن، بیش از همه زمان‌ها، مورد توجه و شاید دست‌اندازی نظامی - سیاسی و اقتصادی ابرقدرت‌ها خواهد بود.

تنها راه پیشگیری و نجات، و دفاع سالم و منطقی از منطقه و حفاظت از منابع خداداد آن برای کاراندازی درآمدها در مسیر عمران و آبادی و ساختن آینده مردم، چه ساکن شمال و چه جنوب خلیج فارس، ایجاد فضای مسالمت‌آمیز و مدارا بر پایه دوستی و مودت انسانی و اسلامی است و انجام آن فزون بر روش‌های صادقانه دیپلماتیک و تعهدات دوستانه اقتصادی و کوشش در پاسداری از حیات اجتماعی و استقلال و آزادی مردم ساکن در آن، ایجاد حرکت فرهنگی تمام‌عیار در سراسر منطقه است که هم‌چو شی‌های دینی و سوابق ممتد تاریخی و تمدنی، عناصر بنیادی آن را فراهم آورده است. ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین و پر قدرت‌ترین کشور خلیج فارس، که از لحاظ فرهنگی و نیروبخشی به همسایگان و کمک به مردم به‌پا خاسته آن، به تحقیق نقش ارزنده و پیشگام دارد، در این برهه از تحول و حرکت سازندگی، می‌تواند ابتکار جدیدی را در ایجاد دانشگاه جهانی خلیج فارس، به منصفه ظهور برساند و با این تصمیم‌گیری فرهنگی، نه تنها از لحاظ ملی. در همکاری و همگامی همه نهادهای مربوطه، سرتاسر سواحل ایرانی خلیج فارس را آباد و مرفه و خودکفا سازد، بلکه از جنبه بین‌المللی در فضای معنوی و اسلامی جدید همه منطقه را به تسامح و زیست مشترک فرهنگی، و پیشرفت و تعالی علمی و فنی و هنری و ذوقی و بی‌نیازی به ابرقدرت‌ان جهانی فراخواند.

در تحقق این امر، بیش از هر کار به پژوهش در چگونگی انجام آن نیاز است، بخشی از این پژوهش‌ها، هرچند ناقص و جهت‌دار، در پاره‌ای از وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی موجود است و برای بخش دیگر بررسی‌های جدیدتری که بر روی هم میدانی است باید صورت گیرد و به همین دلیل «دفتری» مستقل اما هماهنگ با تمام مراکز ذیربط باید ایجاد شود تا با مطالعات همه جانبه و برخوردار از کوشش‌های مثبت دست‌اندرکاران فرهنگی و صاحب‌نظران اجتماعی و

کارشناسان گوناگون خلیج فارس، طرح نهایی، تأسیس، دانشگاه مزبور به صورت یک مرکز جهانی و اسلامی آموزش و پژوهش فراهم آید.

تحقق این فعالیت‌های فرهنگی بر بنیاد ارزش‌های انسانی و اسلامی و ملی، بی‌هیچ تردید آینده خلیج فارس را روشن‌تر خواهد ساخت و کشورهای منطقه به حکم تاریخ و رسالت دینی و علمی و انسان‌دوستانه تاریخی، نقش آینده‌ساز و شکوفای خود را پیش از همه وقت در سراسر جهان باز خواهند یافت. امید است این گفتار، بر پایه روشنگری‌های تاریخی، بتواند رهگشای فرهنگی آینده باشد.

پی‌نوشت:

1. Nar Marratu
2. Mohanjodaro
3. Sinus Percicus
4. Mare Persicum
5. Aquarum Persico
6. Flavius Arrianus
7. Claudius Ptolemaeus
8. Hecataios
9. Herodote
10. Eratosthenos
11. Strabon



گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی